

عبدالامید

به مناسبت گرامی‌داشت مقام فرهنگی و
پژوهشی زنده‌یاد استاد بصیراحمد دولت‌آبادی

بخش اول



نگاهی به ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی دولت‌آبادی





شخصیت انسانی و فرهنگی دولت آبادی

اشاره:

در ۱۵ قوس ۱۳۹۷ بنیاد اندیشه با همکاری دانشگاه ابن سینا و دانشگاه گوه‌رشاد محفل گرامی‌داشت از مقام فرهنگی و پژوهشی زنده یاد بصیراحمد دولت‌آبادی را با حضور چهره‌های علمی، فرهنگی و سیاسی در هتل کانتیننتال کابل برگزار کرده بود که سخنرانان مختلف در آن به ایراد سخن پرداخته بودند. آنچه در ادامه ملاحظه می‌شود متن سخنرانی استاد دانش معاون پیشین رئیس جمهور در این محفل گرامی‌داشت می‌باشد.

عدالت و امید

متن سخنرانی استاد سرور دانش در مراسم گرامی‌داشت مقام فرهنگی و پژوهشی زنده‌یاد بصیراحمد دولت‌آبادی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضار گرامی، اعضای محترم کابینه، وکلای محترم، استادان، علما، جوانان، فرهنگیان، نویسندگان، مهمانان عالی‌قدر، خانم‌ها و آقایان!
السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

مقدم شما را در محفل گرامی‌داشت از مقام فرهنگی و پژوهشی زنده‌یاد استاد بصیراحمد دولت‌آبادی گرامی می‌داریم و به روان تابناک آن مرحوم درود می‌فرستیم. بصیراحمد دولت‌آبادی نویسنده آرمان‌گرا و پرکاری بود که فقدان ایشان هرگز برای جامعه و مردم ما قابل جبران نیست. شادروان دولت‌آبادی حق بزرگی بر همه ما دارد، هم از نگاه تلاش‌ها، فداکاری‌ها و آثار بزرگی که او برای مردم و جامعه فرهنگی ما خلق کرد و هم از نگاه رابطه صمیمی و دوستانه‌ای که برای سالیان متمادی ما را به همدیگر پیوند می‌داد. از این رو لازم بود که در اولین فرصت از فرهنگیان و دوستان دولت‌آبادی دعوت کنیم تا در مراسم دوستانه فرهنگی، از مقام فرهنگی و پژوهشی استاد بصیراحمد دولت‌آبادی تجلیل کنند.

من به سهم خود از همکارانم در بنیاد اندیشه و همچنین از دانشگاه ابن‌سینا و دانشگاه گوه‌رشاد و به خصوص از جناب استاد داکتر احمدی و داکتر صالحی تشکر می‌کنم که در برگزاری این مراسم سهم گرفتند. جناب استاد داکتر احمدی از دوستان نزدیک مرحوم دولت‌آبادی بودند که همراه با یک جمع صمیمی و پرتلاش، سال‌های سال در کنار هم بودند و این‌جانب هم شرف خدمت‌گزاری به این جمع فرهیخته را داشتم. لازم می‌بینم که در این محفل فرهنگی از یکی دیگر از دوستان فرهنگی خود نیز یاد کنم: مرحوم شادروان حسین شفایی نویسنده پرکار و پرتلاشی که واقعاً شمع این جمع و

بازوی پرتوان همه ما بودند. به روان همه این یاران سفر کرده درود می‌فرستم و برای آنان فردوس برین آرزو می‌کنم.

حضار گرامی!

موضوعات مهم را سخنرانان بعدی تعقیب خواهند کرد و از بیانات همه‌شان بهره خواهیم برد؛ مخصوصاً برادر گرامی‌ام جناب داکتر احمدی که سکان‌دار اندیشه و سخن هستند. من امروز خیلی کوتاه صحبت می‌کنم. در سه بخش مطالب مختصری را فهرست کرده‌ام که با شما در میان می‌گذارم. شکافتن و تحلیل مفصل‌تر هر سه بخش فرصت بیشتری می‌طلبد که در صورت امکان در آینده به آن‌ها خواهم پرداخت.

اول - نسبت بین فرهنگ و سیاست

برای فرهنگ بیش از دو صد تعریف ذکر شده، اما هر کس از یک زاویه خاصی به تعریف فرهنگ پرداخته است. آنچه مسلم است، جدا از تعریف‌های علمی و آکادمیک، فرهنگ از نگاه مصداق، همه شاخه‌های علوم، مکتب‌ها و اندیشه‌های فلسفی و دینی و همچنین تکنالوژی، هنر، ادبیات، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و حتی عادات، سنن و رسم و رواج‌ها و کیفیت زندگانی را شامل می‌شود. اگر در پهلوی فرهنگ، تمدن را هم اضافه کنیم، باید بگوییم که ماندگاری همه جوامع بشری و میزان قوت و ضعف آن‌ها، با مطالعه فرهنگ و تمدن به‌جامانده از آن‌ها ارزیابی می‌شود و حتی سلسله‌های حاکمان و زمامداران همه جوامع بشری بافرهنگ و تمدن خلق شده در زمانه آنان سنجش می‌شود.

یکی از مصادیق برارنده فرهنگ در جوامع دیروز و امروز،



دوم - شخصیت فرهنگی و انسانی دولت‌آبادی

واکاو شخصیت فرهنگی و انسانی دولت‌آبادی و ارزیابی آثار ماندگار او کار و دقت بیشتر می‌طلبد که در فرصت دیگر باید انجام شود. در اینجا و متناسب با نشست یادبود و گرمی‌داشت، چند نکته کوتاه را درباره شخصیت دولت‌آبادی یادآوری می‌کنم:

۱. دولت‌آبادی به خاطر جبر زمان موفق به تحصیلات آکادمیک نشده بود، ولی در درک مطلب و آموختن و پژوهش، استعداد بسیار عالی داشت. خود را به آسانی با افکار نو انطباق می‌داد و اشتباهات خود را تصحیح می‌کرد. در سال‌هایی که کار او در «حبل‌الله» خاتمه یافته بود و در مرکز فرهنگی نویسندگان باهم کار می‌کردیم، فرصتی پیش آمد که در یک دوره آموزشی کوتاه مدت خبرنگاری در شهر قم باهم اشتراک کنیم. در این دوره آموزشی بسیار کوتاه و فشرده، مفردات درسی یک دوره معادل لیسانس را از استادان متخصص این رشته در سه ماه آموختیم. در یکی از روزها به شوخی با من گفت: «ما و شما که ژورنالیست نخوانده این کارهای بزرگ را کرده‌ایم، اگر این معلومات آکادمیک را پانزده سال پیش می‌داشتیم، دنیا را چپه می‌کردیم».

واقعاً فرهنگیان آن دوره ما و از آن جمله دولت‌آبادی مانند نهال‌های خودرویی بودند که در میان سنگلاخ‌ها و صخره‌های خشک و خشن روییده و به درخت‌های تنومند و پرشاخ و برگ تبدیل شدند و به گفته مولا علی در نامهٔ چهل‌وپنج نهج‌البلاغه: «الا و ان الشجره البریه اصلب عودا والروائع الخضره ارق جلودا والنابتات العذیه اقوی وقودا و ابطاً حُمودا» یعنی آگاه باشید که درختان بیابانی چوبشان سخت‌تر و درختان کنار جویبار پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است و دیرتر خاموش می‌شود. مرحوم دولت‌آبادی از همین درختان بیابانی بود که با آب باران سیراب شده بود نه آب جویبار و به همین جهت مقاوم‌تر بود و اندیشه‌هایش شعله‌ورتر و بادوام‌تر.

۲. بصیراحمد دولت‌آبادی یک سرباز فرهنگی و با آرمان‌های سیاسی بود. او فرهنگ را برای فرهنگ یا از باب تفنن مدنظر نداشت. در حقیقت هم آن کار فرهنگی ماندگار و ارجدار است که هدفمند باشد. زنجیر تاریخی ستم و محرومیت، شلاق بی‌رحم تبعیض و فقر، آرمان گمشده عدالت و آزادی، عشق و وفاداری به وطن و مردم، باعث شده بود که او دست به کتاب و قلم و مطالعه برد و فریاد رنج و حرمان تاریخی مردم را با قلمش سر دهد و از این طریق به احیای

بنگاه‌های نشراتی و نهادهای تولید فیلم، مراکز بزرگ فرهنگی محسوب می‌شوند. رسانه در دنیای امروز و حتی دیروز، غول فرهنگی جامعه بشری بوده و فردا و فرداها همچین خواهد بود. کسانی که کار رسانه‌ای و نشراتی می‌کنند، در حقیقت خداوندان فرهنگ و آفریدگاران فرهنگ سیاسی یا سیاست فرهنگی هستند. در نسبت بین فرهنگ و سیاست چند نکته مسلم است:

۱. فرهنگ و سیاست انفکاک ناپذیرند. فرهنگ چهره فکری و معنوی سیاست است و در مقابل، سیاست هم اعمال قدرت است برای تحقق ایده‌های فکری و فرهنگی. به بیان دیگر فرهنگ به‌طور غالب، زبان سیاست است و سیاست هم تطبیق‌کننده و گسترش‌دهندهٔ بایدها و نبایدها و خواسته‌ها و مطالبات فرهنگی.

۲. در طول تاریخ سیاست نیازمند فرهنگ بوده، اما فرهنگ نیازی به سیاست نداشته است. همهٔ انقلاب‌های سیاسی به انقلاب فرهنگی نیاز داشته‌اند.

۳. سیاست روند مسلط ولی ناپایدار است؛ اما فرهنگ یک روند پایا و مانای اجتماعی است و اگر سیاست هم بتواند پایدار و پابنده شود باید چهره فرهنگی و تمدنی به خود بگیرد.

۴. فرهنگ سیاست را انسانی می‌سازد. فرهنگ به چهره خشک سیاست، لطافت و معنویت می‌بخشد.

۵. نسبت فرهنگ با یک جنبش سیاسی اوج تعامل نزدیک فرهنگ و سیاست را نشان می‌دهد. هیچ جنبش سیاسی به پیروزی و کامیابی نرسیده مگر اینکه از پشتوانهٔ محکم و متین فرهنگی برخوردار بوده است.

از همین رو فرهنگ و رسانه در مبارزات سیاسی شهید مزاری نقش بسیار برجسته و در عین حال متقابل داشته است. از یکسو رهبری سیاسی شهید مزاری با ارجگذاری به فرهنگ و فرهنگیان، به فرهنگ و امور فرهنگی تحرک، بالندگی و پویایی بخشید و از سوی دیگر موج فعالیت‌های فرهنگی و نشراتی و خیزش قلمی و فکری فرهنگیان ما از عوامل مهم معرفی نهضت شهید مزاری و باعث پویایی و پابندگی آن شد. یکی از کسانی که در این رابطه این تعامل مثبت را به خوبی تبلور بخشید، شادروان استاد بصیراحمد دولت‌آبادی بود.

هویت گمشده بپردازد. او تا آخر عمرش به این اهداف و در این راه استوار باقی ماند و هیچ‌گاه به راه و مسیر دیگری فکر نکرد.

۳. بصیراحمد نویسنده پرکار بود و اشتغال دائمی او خواندن و نوشتن بود و در عین حال از پشتکار کم‌نظیر و نظم فوق‌العاده برخوردار بود و در عین تواضع و فروتنی و ساده زیستی، خیال‌های زیاد و ایده‌های بزرگ در سر داشت. زیاد می‌نوشت و طولانی می‌نوشت و با جزئیات می‌نوشت. غیر از کتاب‌هایی که از دولت‌آبادی به چاپ رسیده، مجموعه مقالات چاپ شده و چاپ‌نشده ایشان چندین جلد قطور خواهد شد. جالب است برای تان بگویم دولت‌آبادی در طول عمرش و به‌طور منظم، شب‌ها بعد از غذای شب به استراحت می‌پرداخت و قبل از اذان صبح برمی‌خاست و به نوشتن شروع می‌کرد و در طول چند ساعت اول صبح، دنباله مقالات و تحقیقات خود را پی می‌گرفت یا خاطرات روز گذشته خود را می‌نوشت. مجموعه خاطرات ایشان که در چندین دفتر نوشته شده یکی از زیباترین بخش‌های تاریخ شفاهی ما را تشکیل می‌دهد که امیدوارم روزی به نشر برسد.

۴. حضور سنگین دولت‌آبادی در دنیای مطبوعات دوره جهاد را همه دست‌اندرکاران آن دوره به خوبی به خاطر دارند و به خوبی اهمیت آن را درک می‌کنند. دولت‌آبادی در نشریات زیادی در دنیای مهاجرت قلم زد، ولی در سه نشریه به‌طور خاص و بسیار برجسته حضور داشت، یعنی حبل‌الله مجله‌ای که مؤسس آن شخص استاد مزاری بود و سراج مجله مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان و هفته‌نامه وحدت نشریه حزب وحدت اسلامی افغانستان در خارج از کشور.

در میان این سه نشریه باید اضافه کرد که ماهنامه حبل‌الله از شماره اول تا آخرین شماره آن یعنی شماره ۱۲۳ از الف تا یای این مجله، به عنوان ده سال کار منظم و سنگین نشراتی، محصول زحمات شبانه‌روزی بصیراحمد است. در کنار سایر پرسنل اداری و تخنیکی مجله، مدیریت و مسئولیت کامل تمام محتوای این مجله به عهده بصیراحمد بود که در خود مجله از ایشان به نام مستعار محمد یوسف سمیع یاد شده است. گفتنی است شماره نخست این مجله در جوزای سال ۱۳۶۳ نشر شد و آخرین شماره آن یعنی شماره ۱۲۳ در ماه اسد ۱۳۷۴ بعد از شهادت استاد مزاری به چاپ رسید. این آخرین شماره به صورت فوق‌العاده به عکس‌های ویژه از استاد مزاری

اختصاص یافته بود.

لازم می‌بینم در اینجا به شما دوستان گرامی یک خبر خوش را هم اعلام کنم و آن اینکه دوره کامل این سه نشریه، یعنی حبل‌الله و سراج و هفته‌نامه وحدت و همچنین نشریات پیام مستضعفین و پیام مهاجر و چندین نشریه دیگر دوره مهاجرت را که در طول آن سال‌ها جمع‌آوری و آرشیف کرده بودم، در این اواخر به کمک دوستانم در بنیاد اندیشه همه آن‌ها را به صورت دیجیتالی در مرکز معلومات افغانستان در پوهنتون کابل اسکن کردیم که اکنون هم از خطر نابودی نجات یافته و هم برای استفاده در دسترس همگان قرار گرفته است. کوشش می‌کنیم سایر نشریات و آثار دوره جهاد را نیز به همین ترتیب تنظیم کرده و مورد استفاده عمومی قرار دهیم.

به‌طورکلی باید گفت فقدان دولت‌آبادی ضایعه جبران‌ناپذیر برای همه ما است. همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ام او چریک فداکار سازمان نصر و یک سرباز شجاع و قلم‌به‌دست استاد مزاری و راوی رنج و محنت توده‌ها و یکی از احیایران هویت تاریخی و فرهنگی مردمش بود. ما باهم حداقل تا زمانی که ایشان راهی دیار غربت و مهاجرت شد، بیش از بیست سال باهم بودیم و از حبل‌الله و پیام مستضعفین گرفته تا هفته‌نامه وحدت، سراج، صراط و مرکز فرهنگی نویسندگان و دنیای نشر و پژوهش، باهم زیستیم و باهم اندیشیدیم و باهم نوشتیم و نشر کردیم.

بخش عمده رونق کار فرهنگی و نشراتی در دوره جهاد و بعد از آن محصول تلاش‌ها و فداکاری‌های افراد نادری چون دولت‌آبادی است که بدون کمترین توقع و با بیش‌ترین تلاش و فداکاری و از روی ایمان و باور و سوز و خلوص، از وقت و فکر و جان خود مایه گذاشتند و در کنار رهبری سیاسی استاد مزاری و یارانش، یک نهضت عظیم بیدارگری و احیای هویت را شکل دادند. اکنون که دیگر او در میان ما نیست، با جرئت می‌توانیم خطاب به او بگوییم که دولت‌آبادی عزیز! با روحی آرام بیارام، زیرا زحمات طاقت‌فرسایت به هدر نرفته و اکنون یک موجی از نور آگاهی و بیداری در میان هم‌نسلان و نسل‌های بعدی ایجاد شده که برای همیشه آسمان زندگی مردم را روشن نگه خواهد داشت.

البته باید اضافه کنم که شخصیت هیچ‌کسی کامل و نقد‌ناپذیر نیست. شخصیت مرحوم دولت‌آبادی و مخصوصاً نوشته‌ها و آثار ایشان نیز پوش نوارها و ضعف‌های خود را دارد. مخصوصاً با توجه به



دوره طولانی مدت مهاجرت و شرایط زمانی‌ای که او قرار داشت؛ یعنی سه دهه شصت، هفتاد و هشتاد خورشیدی که یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین و پرمخاطره‌ترین دوره‌های تاریخ سیاسی افغانستان است. اکنون که ما در مقام گرامی‌داشت از مقام فرهنگی ایشان هستیم، من به خود اجازه نمی‌دهم که از پوش نوارها سخن بگویم. نقد و بررسی آثار ایشان را به زمان دیگر و به دوستان دیگر می‌گذارم.

۱. در گذشته‌ها عناصر فرهنگی و امکانات کار فرهنگی ضعیف بود، ولی انگیزه‌ها نیرومند و تلاش‌ها مضاعف و فوق تصور و توانایی بود؛ اما امروز برعکس است. امروز انگیزه‌ها مرده و چراغ آرمان‌گرایی خاموش شده است و اهداف نهایی اکثر افراد در حد دست یافتن به نیازها و معیشت روزمره زندگی خلاصه شده است.

۲. در گذشته یک بخش مهم کار فرهنگی را احزاب سیاسی انجام

مناسب است که به مناسبت بزرگداشت از مقام فرهنگی و پژوهشی دولت‌آبادی، مکثی کنیم در مورد وضعیت امروز فرهنگ و

سوم - وضعیت امروز فرهنگ و فرهنگیان

بخش اول: نگاهی به ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی دولت‌آبادی



می‌دادند، ولی امروز احزاب از فرهنگ و کار فرهنگی تهی شده‌اند. به عنوان مثال در گذشته حزب وحدت در داخل و خارج کشور طلابه‌دار حرکت فرهنگی بود و ده‌ها نشریه را منتشر می‌کرد و ده‌ها انجمن فرهنگی را تأسیس کرده یا حمایت می‌کرد و بسیاری از نویسندگان و فرهنگیان آن زمان به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این حرکت بودند و حتی در سایه همین حرکت، تشویق شدند و رشد کردند و به چهره‌های بزرگی تبدیل شدند.

۳. از سوی دیگر امروز برعکس گذشته ما شاهد ظهور توانایی‌های علمی و چهره‌های برجسته آکادمیک هستیم. در سال‌های دهه شصت خورشیدی در جامعه هزاره، به‌اندازه انگلستان دست، فارغ‌التحصیل دانشگاهی نداشتیم، ولی امروز خوشبختانه این گروه به هزاران نفر می‌رسند؛ هرچند که تولیدات فرهنگی این گروه بسیار اندک است. همچنین در زمان حاضر، ما شاهد ظهور گسترده نهادهای تحصیلات عالی خصوصی هستیم که واقعاً با همه مشکلاتی که دارند، زمینه و فرصت‌های مناسب آموزشی و تحصیلی را فراهم کرده‌اند، در حالی که در گذشته چنین زمینه‌ای برای مردم ما فراهم نبود. از این جهت باید گفت که واقعاً در زمینه معارف و تحصیلات عالی یک تغییر بنیادی را شاهد هستیم که آینده بسیار روشنی را برای مردم ما نوید می‌دهد.

۴. تفاوت عمده دیگر بین امروز و دیروز، سهولت دستیابی به منابع مطالعاتی و پژوهشی است و همچنین سهولت ارتباطات و سهولت نشر و آرشیف و دیجیتال سازی اسناد که تهیه و دسترسی را برای همگان با سهولت و سرعت فراهم ساخته است، در حالی که در گذشته این امکانات فراهم نبود و فرهنگیان و نویسندگان و پژوهشگران ما با مشکلات طاقت‌فرسایی مواجه بودند.

اما با همه این تفاوت‌ها بین دیروز و امروز، باید گفت در

گذشته به تناسب امکانات، تولید محصولات فرهنگی و نشراتی از نگاه کمیت و کیفیت بسیار قابل توجه بود و ما شاهد انبوهی از فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی و ادبی بودیم، ولی امروز با توجه به انتظاراتی که وجود دارد و متناسب با شرایط و امکانات موجود، تولید اندیشه و محصولات فرهنگی باز هم از نگاه کمیت و کیفیت کاهش یافته است.

دلیل عمده این وضعیت کمبود نیرو و امکانات نیست، بلکه فرو خفتن انگیزه‌ها و آرمان‌گرایی‌ها است. نسل امروز از فعالیت‌های منسجم و متشکل سازمانی و حزبی فاصله یافته و اهداف بلند سیاسی کمتر مورد توجه آنان قرار می‌گیرد. احزاب سیاسی هم نتوانسته‌اند پویایی دیروز را داشته باشند و به نسل جوان امید و آرمان و انگیزه نو خلق کنند؛ بنابراین ما در شرایط کنونی به یک حرکت سیاسی و فرهنگی عمیق‌تر نیاز داریم تا از نو سیاست‌ها و اهداف سیاسی را تعریف کند و نیروهای فرهنگی را متشکل گرداند.

حضار گرامی!

در پایان، مطلب دیگری را که باید یادآوری کنم در مورد آثار به جا مانده از دولت‌آبادی است. باید همگی کوشش کنیم اکنون که او در میان ما نیست، در مورد نشر یا بازنشر آثار ایشان اقدام کنیم. در این رابطه بنیاد اندیشه آمادگی کامل دارد برای تنظیم و نشر مجموعه آثار شادروان بصیراحمد دولت‌آبادی. از خانواده و همه دوستان آن مرحوم تقاضا دارم که اگر تصمیم دیگری نداشته باشند، این آثار را در اختیار ما قرار دهند تا به صورت مناسب، به تنظیم مجدد و نشر و چاپ آن‌ها اقدام کنیم.

تشکر از توجه شما

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.